



Semnan University

Journal of Applied Arts

Journal homepage: <http://aaj.semnan.ac.ir>
ISSN: 2821-0670



Analysis of the Representation Discourse of Women in Adaptation from the Adapted Source «Doll House Play» to the Adapted Work «Sara Film» with the Approach of James Paul Gee and Ruth Wodak

Fatemeh Raadniya ¹, Fathollah Zare Khalili ² (Corresponding Author)

¹ Ph.D Student, Art Research Department, Faculty of Art and Architecture, Iran University of Art, Tehran, Iran.

² Assistant Professor, Art Department, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran.

(Received: 13.05.2024, Revised: 01.10.2024, Accepted: 14.10.2024)

<https://doi.org/10.22075/aaj.2024.34106.1241>

Abstract:

Cinema as a multifaceted art can be studied with interdisciplinary approaches such as sociology. On the other hand, the representation of women in cinema can shed light on the dimensions of the presence and role of women in the society from which the work emerges. Cinematic adaptation provides a criterion for studying the change from source to adaptation. The representation of a woman in the film *Sara*, which is a free adaptation of the play *A Doll's House*, is the focus of this research. Using the discourse analysis method and the combined approach of Ruth Wodak and James Paul Gee, the study aims to examine the distribution of power among different discourses in the film and discover whether this distribution of power is aimed at consolidating or deconstructing patriarchal discourse. This descriptive-analytical research was conducted using the library method, employing qualitative and, in some cases, quantitative approaches. The results show that the fictional characters are completely dominated by the patriarchal ideology, which they in turn reproduce in society. This reproduction becomes evident through an analysis of the relationships between the characters. The distribution of power until the final episodes is entirely in the direction of consolidating this ideology. However, a sudden decision by the main female character, driven by a deep psychological transformation, leads to the deconstruction of this dominant discourse. Therefore, the main research question will be: How is the representation of women in the «Doll House Play» and the «Sara Film» using the Knowledge of discourse analysis?

Keywords: Woman Representation, Discourse Analysis, James Paul Gee, Ruth Wodak, *Sara Film*.

1-Email: aydaraadniya@gmail.com

2- Email: zarekhalili@shirazu.ac.ir

How to cite: Raadniya, F and Zare Khalili, F. (2024). Analysis of the Representation Discourse of Women in Adaptation from the Adapted Source «Doll House Play» to the Adapted Work «Sara Film» with the Approach of James Paul Gee and Ruth Wodak, *Journal of Applied Arts*, 4(3), 53-70. Doi: 10.22075/aaj.2024.34106.1241

تحلیل گفتمان بازنمایی زن در اقتباس از منبع اقتباسی «نمایشنامه‌ی خانه‌ی عروسک» به اثر اقتباسی فیلم «سارا» با رویکرد جیمز پل جی و روث وداک

فاطمه رادنیا^۱

فتح‌اله زارع خلیلی (نویسنده مسئول)^۲

^۱ دانشجوی دکتری، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.

^۲ استادیار، گروه هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۲۴، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳)

<https://doi.org/10.22075/aaj.2024.34106.1241>

مقاله علمی-پژوهشی

چکیده

سینما به‌منزله‌ی هنری چندوجهی، قابلیت مطالعه با رویکردهای میان‌رشته‌ای چون جامعه‌شناسی را می‌یابد. از سویی، بازنمایی زن در سینما نیز می‌تواند روشن‌کننده‌ی ابعاد حضور و نقش زن در جامعه‌ای باشد که اثر از آن سر برمی‌آید. اقتباس سینمایی معیاری برای مطالعه‌ی تحولات از منبع به اثر اقتباسی در اختیار می‌گذارد. بازنمایی زن در فیلم «سارا» برگرفته از فرهنگ ایرانی و بر اساس اقتباس آزاد از نمایشنامه‌ی «خانه‌ی عروسک» محور پژوهش حاضر است و با استفاده از دانش تحلیل گفتمان و به روش ترکیبی روث وداک و جیمز پل جی، با هدف مطالعه‌ی نحوه‌ی توزیع قدرت بین گفتمان‌های مختلف در فیلم و کشف جهت‌مندی این توزیع قدرت در جهت تحکیم گفتمان مردسالاری یا واسازی آن انجام می‌پذیرد. این پژوهش توصیفی تحلیلی است و به روش اسنادی انجام گرفته است. در آن از روش استنباطی (کیفی) و در بعضی موارد از روش کمی استفاده می‌شود. روش گردآوری اطلاعات، فیش‌برداری و مطالعه‌ی اسنادی و مشاهده‌ی اسناد است. جامعه‌ی آماری شامل فیلم اقتباس‌شده‌ی «سارا» و نمایشنامه‌ی «خانه‌ی عروسک» است. نتایج نشان می‌دهد شخصیت‌های داستانی کاملاً تحت سلطه‌ی گفتمان غالب ایدئولوژی مردسالاری شکل گرفته‌اند و به بازتولید آن در جامعه می‌پردازند. در واکاوی ارتباط بین شخصیت‌های داستانی است که این بازتولید آشکار می‌شود. توزیع قدرت تا اپیزودهای پایانی کاملاً در جهت تحکیم ایدئولوژی مردسالاری است و تنها با تصمیم ناگهانی شخصیت اصلی زن داستان، که خود به دلیل تحول عمیق روانی در اوست، به واسازی این گفتمان غالب قدرت می‌انجامد. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش این خواهد بود که بازنمایی زن در نمایشنامه «خانه عروسک» و فیلم «سارا» با استفاده از دانش تحلیل گفتمان چگونه است؟

واژه‌های کلیدی: بازنمایی زن، تحلیل گفتمان، جیمز پل جی، روث وداک، فیلم سارا.

1-Email: aydaraadniya@gmail.com

2- Email: zarekhalili@shirazu.ac.ir

شیوه ارجاع به این مقاله: رادنیا، فاطمه و زارع خلیلی، فتح‌اله. (۱۴۰۳). تحلیل گفتمان بازنمایی زن در اقتباس از منبع اقتباسی «نمایشنامه‌ی خانه‌ی عروسک» به اثر اقتباسی فیلم «سارا» با رویکرد جیمز پل جی و روث وداک،

نشریه هنرهای کاربردی، ۴(۳)، ۵۳-۷۰. Doi: 10.22075/aaj.2024.34106.1241

از ابتدای پیدایش صنعت سینما، تعامل بین آن و ادبیات نیز به وجود آمده است. ادبیات جاذبه‌های شگفت‌انگیز بسیاری برای فیلم‌سازان دارد که آن‌ها را به سمت فرایند اقتباس سینمایی سوق می‌دهد. در سینمای ایران، فیلم «سارا» (۱۳۷۳) به کارگردانی داریوش مهرجویی و با اقتباس آزاد از نمایشنامه‌ی «خانه‌ی عروسک» (۱۸۷۹) نوشته‌ی هنریک ایبسن ساخته شده است. رویکرد فمینیستی در تحلیل آثار، که در پیوند مستقیم با جنبش‌های فمینیستی، سیاسی و اجتماعی است، به دنبال این است که نشان دهد اثر چه چیزی را در مورد عملکردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و روان‌کاوی مردسالارانه آشکار می‌کند. برای تحلیل معانی برساخته‌شده از ایدئولوژی مردسالارانه در فرهنگ و هنر، می‌توان از دانش تحلیل‌گفتمان سود جست.

تحلیل‌گفتمان، دانشی بینارشته‌ای است که با اهمیت یافتن نقش زبان در دنیای مدرن پدید آمد و به مرور و به واسطه‌ی تحولات جوامع، به حوزه‌ی زبان‌شناسی محدود نم‌اند. اصطلاح تحلیل‌گفتمان نخستین بار در سال ۱۹۵۲م. در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی، «زلیک هریس» به کار رفته است. تعریف‌های متنوع و گوناگونی از تحلیل‌گفتمان و رویکرد انتقادی آن وجود دارد، اما فهم گستره‌ی معنایی آن تنها با بررسی عناصر مورد تأکید در روش‌های متفاوت آن امکان‌پذیر است. «یول و براون» در تعریف مفهوم تحلیل‌گفتمان می‌نویسند: «تحلیل‌گفتمان، زبان در کاربرد آن است». «فاسولد» مطالعه‌ی جنبه‌های مختلف کاربرد زبان را، مطالعه‌ی گفتمان می‌انگارد. از نظر «جیمز پل جی» گفتمان متضمن چیزی بیش از زبان است. گفتمان‌ها همواره متضمن هماهنگ کردن زبان با شیوه‌ی عمل، تعامل، ارزش‌گذاری، باور داشتن، احساس، بدن‌ها، لباس‌ها، نمادهای غیرزبانی، اشیاء، ابزارها، فناوری‌ها، زمان و مکان هستند (گی، ۱۹۹۹: ۲۵).

تحلیل‌گفتمان انتقادی ریشه در زبان‌شناسی انتقادی

دارد. در اواخر ۱۹۷۹م. گروهی از زبان‌شناسان پیرو مکتب نقش‌گرای هیلیدی گرد هم آمدند و در مطالعات خود رویکرد زبان‌شناسی انتقادی را برگزیدند. هدف آنان آشکار کردن روابط قدرت پنهان و فرایندهای ایدئولوژیک موجود در متون زبانی بود. (آقاگلزاده و غیاثیان، ۱۳۸۳).

از میان نظریه‌های گوناگون در تحلیل‌گفتمان، رویکرد روث وداک و جیمز پل جی یکی از جامع‌ترین رویکردهایی است که در تحلیل می‌توان از آن استفاده کرد. به عقیده‌ی وداک اصطلاح زبان‌شناسی انتقادی و تحلیل‌گفتمان انتقادی را می‌توان به جای هم به کار برد، اما در سال‌های اخیر استفاده از دومی بیشتر بوده است (وداک، ۲۰۰۱: ۱).

مطالعه‌ی تطبیقی بین منبع و اثر اقتباسی با روش‌های گوناگونی ممکن است. استفاده از دانش تحلیل‌گفتمان و روش عملیاتی منتخب و مناسب برای بحث، مطالعه‌ای جامع است که در خلال آن می‌توان تغییر و تحول از زیست‌جهان و فرهنگ منبع اقتباسی به زیست‌جهان اثر اقتباسی را بررسی کرد. با توجه به نقش پررنگ زن در دو اثر مورد بحث، این پژوهش به‌خصوص در مورد چگونگی بازنمایی زن نیازمند مطالعه‌ی مفاهیم فمینیستی است.

از جمله پرسش‌هایی که پژوهش در جهت رسیدن به پاسخ آن‌ها انجام می‌پذیرد، موارد زیر است:

۱. قدرت بین گفتمان‌های مختلف در درون فیلم چگونه توزیع می‌شود و آیا این توزیع قدرت در جهت تحکیم گفتمان مردسالاری است یا به واسازی این الگو می‌پردازد؟

۲. بازنمایی زن در نمایشنامه‌ی «خانه‌ی عروسک» و فیلم «سارا» با استفاده از روش تحلیل‌گفتمان چگونه انجام پذیرفته است؟

۳. بازنمایی زن در جریان اقتباس سینمایی از نمایشنامه‌ی «خانه‌ی عروسک» به فیلم «سارا» چه تحولاتی یافته است؟

مطالعه‌ی چگونگی بازنمایی زن در نمایشنامه‌ی «خانه‌ی عروسک» و فیلم «سارا» با استفاده از دانش

تحلیل گفتمان و به‌طور مشخص، روش ترکیبی روث وداک و جیمز پل جی و مطالعه‌ی تطبیقی بین این دو، از جمله اهداف انجام این پژوهش است. هدف کلی از انجام پژوهش را می‌توان مطالعه‌ی نحوه‌ی توزیع قدرت بین گفتمان‌های مختلف در فیلم و کشف جهت‌مندی این توزیع قدرت در جهت تحکیم گفتمان مردسالاری یا واسازی آن دانست. اهداف جزئی‌تری چون مطالعه‌ی چگونگی بازنمایی زن در دو اثر و همچنین تحلیل فرایند اقتباس از منبع به اثر اقتباسی با تأکید بر نقش زن نیز وجود دارد که پژوهش در جهت حصول به آن‌ها انجام می‌پذیرد.

پیشینه پژوهش

پیشینه‌ی مطالعاتی را باید در چند محور مورد ملاحظه قرار داد.

محور اول؛ تحلیل گفتمان: «برساخت اجتماعی عشق در ادبیات کودک و نوجوان: مطالعه‌ی تطبیقی روایت از عشق در ادبیات کودک و نوجوان (تألیف و ترجمه) دهه‌های چهل، پنجاه، شصت، هفتاد و هشتاد» (۱۳۹۷)، اثر ماستری و مهرآیین، یک پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد است. این پژوهش با روش تحلیل گفتمان پل جی و روث وداک نشان می‌دهد که در ادبیات کودک ایران از دهه‌ی ۴۰ تا ۸۰ به چه شیوه‌هایی به بازنمایی عشق پرداخته شده‌است. آقاگل‌زاده (۱۳۸۵ هـ.ش) در کتاب «تحلیل گفتمان انتقادی»، با مرور بر خاستگاه تحلیل گفتمان انتقادی و معرفی مکاتب نظری تأثیرگذار بر آن، به بیان اشتراکات و افتراقات رویکردهای غالب می‌پردازد.

محور دوم؛ رویکرد فمینیستی: احمدرش و غلامی در مقاله‌ی «تحلیل جامعه‌شناسی چگونگی بازنمایی هویت فردی و جنسیتی در آثار سینمایی دهه‌ی ۱۳۸۰ ایران» (۱۳۹۲)، نشان می‌دهند که نوعی دگردیسی و تبدیل شکل صمیمیت، به‌خصوص در رابطه با خود، در این دهه شکل گرفته‌است. کرمی و محمدزاد در مقاله‌ی «بازنمایی زن دوم در سینمای ایران» (۱۳۹۵)، به این نتیجه می‌رسند که در بازنمایی زن دوم، شاهد کلیشه‌هایی هستیم که به کرات به تصویر درآمده است: دین‌داری، مادرانگی، تنهایی،

اغواگری، زن مطلقه، مدرن و بی‌آبرویی و ارتباط پنهانی، از این دست کلیشه‌ها هستند.

محور سوم؛ مطالعات سینمایی: می‌توان به کتاب «راهبردهای اقتباس و بومی‌سازی آثار ادبی خارجی در سینمای ایران» (۱۳۹۴)، اثر دهقان‌پور، اشاره کرد که در آن، مشکل سینمای ایران را فیلم‌نامه (عدم انسجام ساختاری، موضوعات تکراری و مشکل در دیالوگ) می‌داند و اقتباس را بسیار کمک‌کننده و مفید می‌انگارد. رادنیا و دیگران در مقاله‌ی «تحلیل فرایند اقتباس در فیلم پری داریوش مهرجویی (با استفاده از الگوی روایت‌شناسی کنشی گریماس و الگوی تحلیل ساختاری فیلم بوردول)» (۱۴۰۰)، ضمن مطالعه‌ی عناصر روایی و تکنیک‌های سینمایی در فیلم «پری»، به این نتیجه می‌رسند که فیلم‌ساز در اپیزودهای مختلف از عناصری به فراخور موقعیت و در مناسبت با فرهنگ ایرانی استفاده کرده‌است.

با بررسی‌های انجام شده، مشخص شد پژوهشی که فیلم «سارا» و نمایشنامه‌ی «خانه‌ی عروسک» را از زاویه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی کاویده باشد، یافت نشد. از این‌رو، ضرورت داشت این نمونه‌های آماری از رهیافت نظریه‌ای جهانی نیز واکاوی شود. وجه تمایز پژوهش حاضر با مقالات ارزشمند دیگر در این حوزه‌ی مطالعاتی این است که روش عملیاتی ترکیبی روث وداک و جیمز پل جی را همزمان در منبع و اثر اقتباسی مورد مطالعه قرار می‌دهد و از این طریق امکان مقایسه‌ی تطبیقی بین آن‌ها را فراهم می‌کند. به این ترتیب، هم چارچوبی مناسب و دقیق برای مطالعه انتخاب شده‌است و هم امکان مقایسه‌ی بینا فرهنگی و بینا‌شناسانه‌ای بین دو فرهنگ متفاوت فراهم آمده‌است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و با رویکرد تحلیل گفتمان انجام گرفته‌است. این پژوهش از نوع استنباطی (کیفی) است و در بعضی موارد، با توجه به نوع داده، از روش کمی نیز استفاده می‌شود. ابزار گردآوری اطلاعات شامل (۱) منابع مکتوب نوشتاری، منابع و اسناد تصویری و فیلم و منابع شنیداری از

مارکسیست‌های جدید (به‌ویژه گرامشی و پیروانش)، ساختارگرایی چون آلتوسر و محققان مکتب فمینیسم دانست که تحلیل‌گفتمان را از سطح زبان‌شناسی خارج کردند و به حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی وارد کردند و از این‌جا بود که تحلیل‌گفتمان حالتی انتقادی به خود گرفت.

تحلیل‌گفتمان انتقادی به تحلیل روابط ساختاری آشکار یا پنهان سلطه، تبعیض نژادی، قدرت و کنترل و تجلی آن در زبان می‌پردازد. هدف دانش تحلیل‌گفتمان انتقادی، بررسی انتقادی نابرابری‌های اجتماعی است؛ آن‌گونه که در زبان به‌کار می‌رود و این کاربرد مستمر موجب شکل‌گیری، تثبیت و مشروعیت آن می‌شود. بر همین اساس، بسیاری ادعای هابرماس را که «زبان همچنین وسیله‌ی سلطه و نیروی اجتماعی است و در خدمت مشروعیت‌بخشی به روابط قدرت سازمان‌دهی شده است»، تأیید می‌کند (هابرماس، ۱۹۷۷: ۲۵۹؛ وداک، ۱۹۹۵: ۲۰۴).

دانش تحلیل‌گفتمان انتقادی تأثیرپذیری مشخصی از مکاتب فکری چون مکتب فرانکفورت (به‌ویژه یورگن هابرماس)، نظریه‌ی نقد ادبی یا نقد مارکسیستی، پس‌اساختارگرایی و ساختارشکنی امروزی دارد (فرکلاف، ۲۰۰۲: ۳۲۹). فرکلاف معتقد است کاربرد زبان معمولاً در عین حال که سازنده‌ی هویت‌های اجتماعی، روابط اجتماعی و نظام‌های دانش و باورهاست، توسط آن‌ها نیز ساخته می‌شود. او نیز مانند کرس و ون‌لیوون در تحلیل خود بر مبنای چارچوب زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی عمل می‌کند (فرکلاف، ۱۹۸۱: ۱). ون دایک نیز از جمله افراد برجسته و از پیشگامان مطالعه و پژوهش در زمینه‌ی تحلیل‌گفتمان انتقادی است و اکثر آثار انتقادی‌اش به بازتولید تعصبات قومی و نژادپرستی در گفتمان اختصاص داشته‌است. او بر این باور است که بین ساختارهای گفتمان و ساختارهای اجتماعی رابطه‌ی مستقیمی وجود ندارد و آن‌ها همیشه به‌واسطه‌ی شناخت فردی و اجتماعی به یکدیگر مرتبط می‌شوند و شناخت، حلقه‌ی گمشده‌ی بسیاری از مطالعات

جمله‌ی مصاحبه‌ها. ۲) کارت مشاهده (برای ثبت نظام‌مند مشاهدات) است. روش گردآوری اطلاعات، فیش‌برداری و مطالعه‌ی اسنادی و مشاهده‌ی اسناد است. جامعه‌ی آماری نیز شامل فیلم اقتباس‌شده‌ی «سارا» و نمایشنامه‌ی «خانه‌ی عروسک» است. در مرحله‌ی اول، مطالعه در چند بخش مورد نیاز است: در محور اول، مطالعات تحلیل‌گفتمان؛ در محور دوم، مطالعات سینمایی و اقتباس هنری؛ در محور سوم، مطالعات مبانی نظری فمینیسم و نقد فمینیستی. این مطالعات به‌صورت موازی انجام می‌پذیرد. در مرحله‌ی دوم، از میان مبانی تحلیل‌گفتمان انتقادی، رویکرد مناسب استخراج می‌شود که در پژوهش حاضر، رویکرد انتخابی ترکیبی از روش عملیاتی تحلیل گفتمان روث وداک و جیمز پل جی است. مرحله‌ی سوم که مرحله‌ی تحلیل داده‌هاست، نیازمند دو سطح مطالعه‌ی تحلیل‌گفتمانی در منبع اقتباسی (نمایشنامه‌ی «خانه‌ی عروسک») و اثر اقتباسی (فیلم «سارا») با تمرکز بر چگونگی بازنمایی زن در آثار است. نتایج در این دو سطح جمع‌آوری و برای مطالعه‌ی تطبیقی به مرحله‌ی بعد منتقل می‌شود. در مرحله‌ی چهارم، نتایج حاصل از مطالعات مراحل قبل مورد بررسی تطبیقی و چندجانبه قرار می‌گیرد. خروجی این مرحله جدولی است که تغییر و تحول از منبع به اثر اقتباسی را به‌اختصار نشان می‌دهد. در نهایت، در مرحله‌ی پنجم، نتایج گردآوری می‌شود.

مبانی نظری

علوم اجتماعی به دنبال تغییرات وسیعی که از دهه‌ی شصت میلادی در رشته‌های مختلفی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، ادبیات، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی پدید آمد، شاهد سر برآوردن دانشی به نام تحلیل‌گفتمان بود. تحلیل‌گفتمان را می‌توان به گونه‌ای وام‌دار جنبش انتقادی ادبیات و جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، هرمنوتیک و به‌ویژه مباحث هرمنوتیکی گادامر و تبارشناسی فوکو و اندیشه‌ی متفکرینی چون میشل فوکو، ژاک دریدا،

زبان‌شناسی انتقادی و تحلیل‌گفتمان انتقادی است. از این‌رو، او مثلث «جامعه - شناخت - گفتمان» را عرضه می‌کند. گانتر کرس نیز نشانه‌شناس اجتماعی است که به بررسی ارتباط نظام دستوری و احتیاجات فردی و اجتماعی که زبان برای عملکرد خود بدان نیازمند است، پرداخت. او بین ویژگی‌های صورت‌های نشانه-شناختی و سازمان‌دهی‌های اجتماعی و تاریخی اجتماعی ارتباط برقرار کرد (کرس، ۲۰۰۲: ۱۵۰).

این پژوهش در مرحله‌ی تحلیل داده‌ها از روش ترکیبی تحلیل‌گفتمان روث وداک و پل جی استفاده می‌کند. با ترکیب عناصر مفهومی ارائه شده توسط این دو صاحب‌نظر، می‌توان به شناخت عناصر اصلی و روابط میان آن‌ها دست یافت. ابتدا با استفاده از مفهوم حوزه در اندیشه‌ی وداک مشخص می‌شود که متن، زبان را برای سخن گفتن از چه چیزی به کار گرفته است. در مرحله‌ی بعد، به کمک نظریه‌ی پل جی، به تحلیل هر یک از این قطعات پرداخته می‌شود.

روش تحلیل‌گفتمان انتقادی روث وداک و جیمز پل جی

روث وداک، به عنوان یکی از صاحب‌نظران تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان را امتزاج پیچیده‌ای از کنش‌های گفتمانی می‌داند که به‌طور همزمان و پی‌درپی با هم مرتبط هستند و خود را درون و میان حوزه‌های اجتماعی کنش، ژانرها، نشانه‌ها و متون گفتاری یا نوشتاری نشان می‌دهند. از نگاه روث وداک، در مواجهه با یک متن باید کارکردهای قلمروهای موضوعی در آن را استخراج نمود. نکته‌ی کلیدی در بحث او این است که بدانیم متن در راستای پاسخ گفتن به چه نیازهایی به پیش می‌رود و زبان را چگونه برای پاسخ گفتن به این نیازها به کار می‌گیرد. او مفهوم میدان‌های زبانی را از پیر بوردیو وام گرفته است. هر میدان زبانی مرکب از چندین کارکرد است و هر یک از این کارکردها با ژانر یا نوع زبانی خاص خود همراه است. بر اساس روش پل جی، هر متن زبانی مرکب از شش قسمت است که شامل زبان اجتماعی،

گفتمان با (D) بزرگ، مکالمه، روابط بینامتنی، زبان خاص و الگوهای نمادین است. هر کدام از این بخش‌های زبانی هفت عمل زبانی را انجام می‌دهند که شامل: برجسته‌سازی، هویت‌سازی، سیاست، ایجاد رابطه، ایجاد پیوند، کنش و در نهایت خلق یک مجموعه نشانه‌ها است.

در توضیحات این هفت عامل می‌توان گفت:

۱- برجسته‌سازی: در متون همواره به بخش یا بخش‌هایی از واقعیت اهمیت بیشتری داده می‌شود.

۲- کنش: متون زبانی هم خود می‌توانند کنش انجام دهند و هم در آن‌ها از کنش‌های متفاوت سخن گفته می‌شود که عمدتاً بیانگر بعد تجویزی یک گفتمان است. به عبارت دیگر، در درون گفتمان‌ها همواره بر مجموعه‌ای از کنش‌ها تأکید می‌شود.

۳- هویت‌سازی: زبان همواره هویت می‌سازد. در متون همواره سعی می‌شود به برخی موضوعات هویت داده شود.

۴- سیاست: به اعتقاد پل جی، سیاست به معنی تقسیم خیر اجتماعی در درون زبان است. گزاره‌های زبانی می‌توانند برای یک واقعیت ارزش و اهمیت قائل شوند یا آن را از یک ارزش و امتیاز محروم کنند.

۵- ایجاد روابط انسانی: در درون هر متن، میان انسان‌ها روابط مثبت و منفی ایجاد می‌شود.

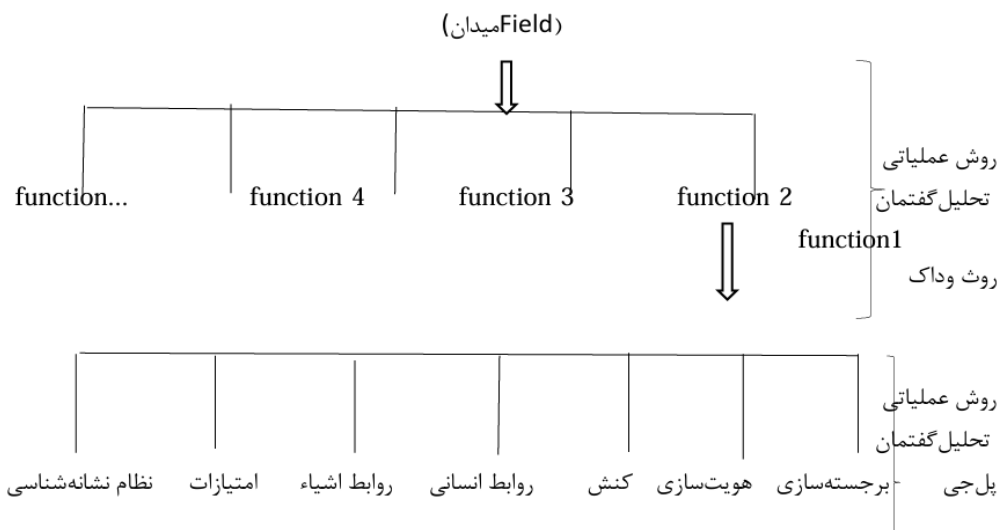
۶- ایجاد پیوند میان چیزها: در درون هر متن، میان اشیا یا چیزها (به جزء انسان‌ها که در بند پنج از آن سخن گفته شد) یا میان اشیا و انسان‌ها پیوند ایجاد می‌شود.

۷- خلق یک نظام معرفتی-نشانه‌شناختی: همه متون در نهایت به خلق یک نظام معرفتی می‌پردازند و احتمالاً آن را برتر و مفیدتر از دیگر نظام‌های معرفتی معرفی می‌کنند (ماستری و مهرآیین، ۱۳۹۷: ۶۵).

پژوهش حاضر از سه مرحله‌ی توصیف، تفسیر و تبیین که سه مرحله در پژوهش‌های تحلیل‌گفتمان انتقادی است، تنها به مرحله‌ی توصیف بسنده می‌کند.

اگر در تحلیل یک متن بتوانیم این هفت کنش زبانی و عناصر و روابط زبانی که این کنش‌ها را عملی می‌سازند، شناسایی نماییم، در واقع توانسته‌ایم به تحلیل‌گفتمان توصیفی یک متن بپردازیم.

نمودار ۱- روش تحلیل‌گفتمان روٹ وداک و جیمز پل جی. منبع: (نگارندگان)



است. می‌توان گفت الهامات و روشنگری که با خواندن نمایشنامه‌های ایبسن برای خواننده ایجاد می‌شود، اغلب بسیار بیشتر از خواندن مطالب اخلاقی مستقیمی است که قصد دارند به خواننده آموزش اخلاق بدهند (برینکمان، ۲۰۰۹: ۱۱). از جمله شخصیت‌های نمایشنامه، افرادی چون نورا، توروالد هلمر، کروگستاد، خانم لینده و دکتر رانک هستند.

لایه‌ی آشکار متن (داستان روایی): داستان در سه روز از ایام هفته‌ی میلاد مسیح اتفاق می‌افتد. هلمر، همسر نورا، وکیلی مستبد و خودخواه است که به‌تازگی در بانک ترفیع پیدا کرده‌است. دوست نورا، خانم لینده (کریستین) که خبر ترفیع هلمر را شنیده، از نورا می‌خواهد که برای او کاری پیدا کند و نورا با غرور می‌گوید این من بودم که هلمر را نجات دادم و ماجرای قرضش از کروگستاد را به او می‌گوید. کروگستاد که در حال اخراج شدن از اداره است، نورا را تهدید می‌کند که ماجرای قرض و جعل امضای نورا را به همسرش می‌گوید. نورا هر چه تلاش می‌کند موفق

تحلیل‌گفتمان در نمایشنامه‌ی «خانه‌ی عروسک» و فیلم «سارا» با روش ترکیبی وداک و پل جی

تحلیل‌گفتمان در نمایشنامه‌ی «خانه‌ی عروسک»

تحلیل‌گفتمان انتقادی با روش ترکیبی وداک و پل جی در این پژوهش شامل مراحل چون اطلاعات اثر و یافتن لایه‌ی آشکار متن (که همان داستان روایی است)، تفسیر اولیه، استخراج حوزه‌های گفتمانی (وام گرفته از وداک) و در نهایت استخراج کارکردهای زبانی و توضیح هفت کارکرد زبانی (وام گرفته از پل جی) در آن‌هاست. اطلاعات به‌دست‌آمده در نهایت در مطالعه‌ی بازنمایی زن در اثر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اطلاعات اثر: «خانه‌ی عروسک» یا «عروسک‌خانه»، نمایشنامه‌ای از هنریک ایبسن، شاعر، نمایشنامه‌نویس و درام‌نویس نروژی است. «خانه‌ی عروسک» شامل مناظره‌های جنجالی و تازه‌ای در زمان خودش است که هنوز هم به‌عنوان منبعی برای بحث در خصوص مسائل اخلاقی کنونی به‌کار می‌رود (اید، ۲۰۰۳: ۸). این داستان درباره‌ی هیجانات روحی زنی به نام نورا

نمی‌شود هلمر را مجاب کند که او را اخراج نکند. بالاخره هلمر ماجرا را به‌وسیله‌ی نامه‌ای که کروگستاد برایش نوشته و ماجرا را در آن شرح داده‌است، می‌فهمد. در نتیجه، بحثی بین نورا و هلمر شکل می‌گیرد که باعث تحولات عمیق روحی در نورا می‌شود و در نهایت او زندگی‌اش را ترک می‌کند. ایبسن در «تراژدی مدرن» می‌نویسد: «دو نوع قانون اخلاقی وجود دارد، دو نوع وجدان؛ یکی برای مرد و دیگری که کاملاً متفاوت است برای زن. آن‌ها همدیگر را نمی‌فهمند. اما در زندگی روزمره، زن به‌وسیله‌ی قوانین مرد قضاوت می‌شود؛ گویی که اصلاً زن نیست، بلکه یک مرد است» (به نقل از لی، ۱۹۷۶: ۴۸).

تفسیر اولیه: «خانه‌ی عروسک» تراژدی‌ای است که در یک اتاق نشیمن اتفاق می‌افتد و شخصیت‌های آن، افراد عادی و معمولی هستند. داستان، تغییرات عمیق روحی زنی جوان و نیز دگرگون شدن جایگاه زن در جامعه‌ی مدرن در طبقه‌ی متوسط و تلاش او برای رهایی از سلطه‌ی ایدئولوژی مردسالاری را نشان می‌دهد.

استخراج حوزه‌های گفتمانی: داستان در حوزه‌ی خانواده‌ی طبقه‌ی متوسط در جامعه‌ی نروژ نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم قرار می‌گیرد. در این حوزه‌ی گفتمانی، کارکردهایی چون توصیف زندگی شاد زن جوان (نورا) و دیالوگ و ارتباط او با همسرش، صحبت زن و دوستش درباره‌ی ماجرای جعل امضاء برای نجات شوهر از بیماری، تهدید شدن زن توسط طلب‌کار به خاطر سفته‌های جعل امضاء شده و از سویی تلاش ناموفق زن برای مجاب کردن همسر و فشار روحی زیاد او از این ماجراء صحبت دوست قدیمی زن و طلب‌کار درباره‌ی عشق قدیمی ناکام‌مانده که باعث تصمیم طلب‌کار برای پس دادن سفته‌ها به زن می‌شود و تغییری که در حال روحی و روند زندگی زن به وجود می‌آید، یافتنی و قابل مطالعه است.

استخراج کارکردهای زبانی در فیلم سارا به کمک روش تحلیل گفتمان پل جی

کارکرد زبانی ۱: این کارکرد زبانی، توصیف بیماری حسام و حضور سارا و همکاران حسام در بیمارستان است. هفت جزء توضیح‌دهنده‌ی این کنش زبانی به این صورت است:

۱- برجسته‌سازی: حضور نگران سارا در حالی که باردار است و سیگاری در دست دارد (نمای اکستریم کلوزآپ) در کنار پنجره و عجله‌ی او در خیابان برای رسیدن به بیمارستان؛ حضور همکاران حسام در اتاق او در بیمارستان؛ صحبت پزشک معالج حسام با سارا درباره‌ی سرطان حسام و لزوم سفر به خارج از کشور؛ درد شدید حسام و نگرانی سارا.

۲- هویت‌سازی: هویت سارا (نگران، درمانده و تلاشگر)؛ هویت حسام (بیمار و بی‌اطلاع از بیماری)؛ هویت همکاران (ملاقات‌کنندگان)؛ هویت عمه (ساکت و نگران بارداری سارا)؛ هویت کادر درمان (کارمندان بیمارستانی).

۳- روابط بین اشخاص انسانی: رابطه‌ی سارا با حسام (بر پایه‌ی نگرانی و تسلی‌بخشی سارا)؛ رابطه‌ی سارا و عمه (در سکوت و نگرانی عمه برای سارا)؛ رابطه‌ی حسام و همکاران (دوستانه و دارای اختلاف‌نظر با گشتاسب)؛ رابطه‌ی سارا و کادر درمان.

۴- روابط بین چیزها (اشیاء با هم - انسان و اشیاء): حرکت دست‌ها و انگشت سارا بر روی نرده‌های کنار پله‌ها؛ لامپ‌های پشت سر هم در سقف بیمارستان.

۵- کنش‌ها: ۱- کنش اظهاری (تعریف کردن ماجرای بیماری حسام از طرف پزشک معالج)؛ ۲- کنش عاطفی (نگرانی شدید سارا نسبت به وضعیت بیماری حسام)؛ ۳- کنش تعهدی (تعهد درونی سارا برای تأمین مخارج سفر).

۶- امتیازات مثبت و منفی در متن: تلاش سارا برای کمک به حسام و دیدار همکاران از حسام در بیماری، از جمله امتیازات مثبت؛ و بیماری و درد شدید حسام که زندگی‌اش را به خطر انداخته است، نظر پزشک متخصص در مورد عدم امکان درمان حسام در ایران و نگرانی سارا در مورد سلامتی همسر و مشکل مالی‌شان، از امتیازات منفی متن است.

۷- نظام معرفتی-نشانه‌شناختی: متن در این بخش به خلق نظام نشانه‌شناسی احساسی می‌پردازد. در این کارکرد زبانی، مخاطب در همان ابتدای فیلم به بیماری حسام و درماندگی سارا پی می‌برد. سارا زن جوانی است که بدون پشتوانه‌ی مالی در خطر افتاده است. در بخشی از فیلم و بعد از صحبت‌های پزشک، لبخند گذرای بر صورت سارا می‌نشیند که نشان-دهنده‌ی فکری است که برای حل مشکل از ذهن او می‌گذرد. در واقع، این بخش شروع تلاش زن برای کنشگری است.

کارکرد زبانی ۲: این کارکرد زبانی، مربوط به توصیف زندگی شاد سارا بعد از حل مشکل بیماری حسام است. هفت جزء توضیح‌دهنده‌ی این کنش زبانی به این صورت است:

۱- برجسته‌سازی: ضعف شدید بینایی سارا؛ ترفیع رتبه‌ی حسام در اداره و امید به حل مشکلات مالی؛ رفتار سبکسرانه و غیرجدی حسام با سارا؛ درخواست سارا از حسام برای گرفتن قرض به امید ترفیع رتبه‌ی حسام؛ حضور سارا در صندوقخانه؛ حضور سرحال سارا برای خرید و مواجهه‌ی او با دوست قدیمی‌اش؛ تقاضای سیما از سارا برای درخواست کار از حسام برای او؛ برملا کردن راز سفته‌ها توسط سارا؛ حس غرور سارا از نجات جان همسر.

۲- هویت‌سازی: هویت سارا (خسته و دارای ضعف بینایی از کار مداوم، مغرور از نجات همسر و شاد در برخورد با دوست قدیمی)؛ هویت حسام (شاد و سلطه‌گر و در برخورد با سارا غیرجدی)؛ هویت سیما (شاد، صمیمی و در جست‌وجوی کار).

۳- روابط بین اشخاص انسانی: رابطه‌ی بین سارا و حسام (بر پایه‌ی رضایت سارا از زندگی با حسام و حالت سلطه‌گرانه‌ی حسام بر سارا)؛ رابطه‌ی سارا و سیما (بر پایه‌ی صمیمیت و رازداری)؛ رابطه‌ی سارا و حسام با دختر بچه و عمه (بر پایه‌ی محبت).

۴- روابط بین چیزها (اشیاء با هم - انسان و اشیاء): هدیه‌ها؛ دسته پولی که حسام به سارا می‌دهد و به او می‌گوید برای خودش خرج کند؛ چادر سفیدی که سارا می‌پوشد و با آن به صندوقخانه می‌رود؛ عینک سارا؛ صندوقچه پولی که سارا پول‌ها را در آن می‌گذارد؛ لباس سفید عروسی که سارا مشغول دوختن آن است؛ قفس پرندگان در میوه‌فروشی؛ میوه‌ها؛ جوی آب وسط کوچه و اتومبیلی که به سرعت از بین سارا و سیما رد می‌شود.

۵- کنش‌ها: ۱- کنش عاطفی (رفتار عاطفی حسام با سارا، رفتار صمیمانه‌ی سارا و سیما، رفتار غرورآمیز سارا نسبت به نقشش در نجات جان همسر)؛ ۲- کنش ترغیبی (تلاش برای ترغیب حسام به گرفتن قرض به امید ترفیع رتبه‌ی جدید حسام در اداره)؛ ۳- کنش اظهاری (اظهار ماجرای سفته‌ها به سیما توسط سارا).

۶- امتیازات مثبت و منفی در متن: شادی سارا از زندگی خانوادگی و حس غرورش، دیدار دوست قدیمی و صمیمیت و رازداری بین آن دو و اطمینان سارا از به دست آوردن شغل برای سیما، از امتیازات مثبت؛ و خستگی مفرط و ضعف بینایی در سارا، رفتار سلطه‌گرانه و غیرجدی حسام با سارا و استفاده از امتیاز دوستی و رابطه برای به دست آوردن شغل برای سیما، از امتیازات منفی در متن است.

۷- نظام معرفتی-نشانه‌شناختی: متن در این بخش به خلق نظام نشانه‌شناسی توصیف زندگی روزمره می‌پردازد. زن جوان تصمیم به کنشگری‌اش را با کار مداوم در خانه و صرفه‌جویی در مخارج خانه به فعلیت می‌رساند که نهایت کاری است که با وجود فرزند کوچکش می‌تواند انجام دهد.

کارکرد زبانی ۳: این کارکرد زبانی مربوط به تهدید سارا توسط گشتاسب و آشوب روحی سارا به دلیل مخالفت حسام با اخراج نکردن گشتاسب است. هفت جزء توضیح‌دهنده‌ی این کنش زبانی به این صورت است:

۱- برجسته‌سازی: تهدید سارا توسط گشتاسب؛ دیدار غیرمنتظره‌ی سیما و گشتاسب در اداره‌ی حسام بعد از گذشت سال‌ها و به میان کشیده شدن ماجرای خاستگاری گشتاسب از سارا در گذشته؛ بحث سارا و حسام درباره‌ی اخراج گشتاسب؛ خستگی و درماندگی سارا؛ حضور سارا در صندوقخانه در حال خیاطی و به خواب رفتن سارا روی لباس عروس در حال دوخت (در حین کار قطره‌ی خون قرمزی بر روی لباس سفید می‌ریزد که می‌تواند نماد وضعیت بد روحی سارا و خطری در آینده باشد)؛ تلاش سارا برای حل کردن مشکل پول از طریق قرض گرفتن از صاحب کارگاه دوخت لباس عروس؛ تهدید مجدد و بسیار تند سارا توسط گشتاسب.

۲- هویت‌سازی: هویت گشتاسب (سلطه‌گر و تهدید-کننده مطابق با الگوی مردسالاری)؛ هویت سارا (ترسیده و درمانده)؛ هویت حسام (سلطه‌گر و مطابق با الگوی مسلط مردسالاری در خانواده)؛ هویت سیما (صمیمی و یاری‌دهنده).

۳- روابط بین اشخاص انسانی: رابطه‌ی سیما و سارا (بر پایه‌ی صمیمیت)؛ رابطه‌ی سارا و گشتاسب (بر پایه‌ی تهدید سارا توسط گشتاسب و ترس سارا)؛ رابطه‌ی سارا و حسام (بر پایه‌ی تسلط حسام بر سارا)؛ رابطه‌ی سیما و گشتاسب (در این مقطع دور).

۴- روابط بین چیزها (اشیاء با هم - انسان و اشیاء): بقچه‌ی لباس مادر بزرگ سارا؛ بازار و لباس‌های عروس کارگاه؛ دسته چکی که رئیس کارگاه به او می‌دهد؛ آگهی ترحیم و سفته‌های جعل‌شده در دستان گشتاسب؛ انبوهی از فرش‌ها که در بازار بر روی هم تلنبار شده‌است و سارا کنار آن‌ها سرش گیج می‌رود و می‌نشیند؛ سفره‌ی شام؛ عینک سارا؛ سیگار؛ چادر

سفید و حرکت آن در پله‌ها؛ آبی که در جوی وسط کوچه می‌درخشد؛ نامه‌ی اخراج گشتاسب؛ فضای حیاط و درختی که گشتاسب با حرکت عصبی دور آن می‌چرخد و پوزخند می‌زند؛ حوض آب و چند ماهی قرمز رنگ در آن.

۵- کنش‌ها: ۱- کنش عاطفی (تهدید سارا از طرف گشتاسب، درماندگی سارا، سرزنش سارا توسط حسام)؛ ۲- کنش اظهاری (تعریف کردن ماجرای عشق قدیمی سیما و گشتاسب).

۶- امتیازات مثبت و منفی در متن: تلاش سیما برای کمک به سارا در یافتن کار و حل مشکل سفته‌ها از طریق قرض گرفتن، از امتیازات مثبت؛ و رفتار بسیار تهدیدگرایانه‌ی گشتاسب با سارا، رفتار سلطه‌گرانه و عصبانی حسام با سارا و درماندگی و ترس و اضطراب سارا، از امتیازات منفی متن است.

۷- نظام معرفتی-نشانه‌شناختی: متن در این بخش به خلق نظام نشانه‌شناسی احساسی می‌پردازد که نشان‌دهنده‌ی ترس و درماندگی شدید زن جوان از مواجهه با مشکل و بی‌دفاعی او است. حسام و گشتاسب دو مردی هستند که نقش کلیدی در سرنوشت سارا دارند. گشتاسب مردی است که در گذشته به فساد مالی متهم شده و در حال حاضر با وجود ریاست حسام و دشمنی آشکار او، دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد. او آشکارا سارا را تهدید می‌کند و تمام معیارهای انسانی را زیر پا می‌گذارد و حتی در دیالوگی به او می‌گوید بهتر است خودت را خلاص کنی. نظام غالب مردسالاری در جامعه و مفاهیم همراه آن، کار سارا را به هیچ عنوان نمی‌پذیرد و گشتاسب که نماینده‌ی یکی از مردان بازتولید-کننده‌ی این ایدئولوژی است، تنها راه نجات قطعی سارا را خودکشی او می‌داند. سارا زیر بار این فشار درونی و بیرونی از سمت جامعه تنها مانده است و از جانب همسر نیز پناهی برای رفع این تهدید نمی‌یابد.

کارکرد زبانی ۴: این کارکرد زبانی مربوط به دیدار سیما و گشتاسب و اظهار عشق دوجانبه‌ی آن‌ها به هم

است که باعث تغییر در تصمیم گشتاسب در ماجرای سفته‌ها می‌شود. هفت جزء توضیح‌دهنده‌ی این کنش زبانی به این صورت است:

۱- برجسته‌سازی: فاش کردن هویت گشتاسب و ماجرای سفته‌ها برای سیما توسط سارا و تلاش آن دو برای یافتن نامه‌ی گشتاسب در میان نامه‌های اداری حسام در اداره؛ گفت‌وگوی سیما و گشتاسب درباره‌ی عشق نافرجامشان و تصمیم آن‌ها برای شروع دوباره‌ی رابطه‌شان؛ تلاش سیما برای روشن شدن حقیقت ماجرا به دلیل امکان شناخت بیشتر سارا و حسام از یکدیگر.

۲- هویت‌سازی: هویت سارا (پریشان، تهدیدشده و در جست‌وجوی راه‌حل)؛ هویت سیما (یاری‌دهنده و در عین حال آینده‌نگر)؛ هویت گشتاسب (متعجب، امیدوار و هیجان‌زده).

۳- روابط بین اشخاص انسانی: رابطه‌ی سارا و سیما (بر پایه‌ی صمیمیت و تلاش پنهانی سیما برای نشان دادن زندگی واقعی سارا به او)؛ رابطه‌ی سیما و گشتاسب (بر پایه‌ی عشق و امیدواری).

۴- روابط بین چیزها (اشیاء با هم - انسان و اشیاء): خیابان و صدای آژیر آمبولانس؛ فضای اداره‌ی حسام.

۵- کنش‌ها: ۱- کنش اظهاری (اظهار عشق دوجانبه‌ی سیما و گشتاسب، تعریف کردن ماجرای سفته‌ها برای سیما)؛ ۲- کنش تعهدی (تعهد سیما و گشتاسب برای فراموشی گذشته و شروع عشق تازه)؛ ۳- کنش احساسی (درماندگی شدید سارا، شادی گشتاسب و سیما از تصمیم برای شروع دوباره)؛ ۴- کنش ترغیبی (ترغیب کردن گشتاسب به فاش کردن حقیقت توسط سیما).

۶- امتیازات مثبت و منفی در متن: تلاش سیما برای یافتن راه‌حل مشکل سارا و پیشنهاد او برای برملا شدن راز سارا نزد شوهر جهت مشخص شدن حقیقت و پیشنهاد گشتاسب برای گذشتن از موضوع سفته‌ها

از امتیازات مثبت است. ناراحتی عمیق روحی سارا از امتیازات منفی است.

۷- نظام معرفتی-نشانه‌شناختی: متن در این بخش به خلق نظام نشانه‌شناسی احساسی می‌پردازد. سارا آشکارا مستأصل است و از سیما کمک می‌خواهد. سیما در این کارکرد زبانی مفهوم «خواهر بودگی» را به روشنی نشان می‌دهد. او که خود گذشته‌ی پر فراز و نشیبی را گذرانده است و اثرات تصمیم اشتباه برای ازدواج مصلحتی در زندگی‌اش را عمیقاً حس می‌کند، سارا را به مسیری هدایت می‌کند که اگرچه تبعات سنگینی برایش دارد، اما حقیقت زندگی‌اش را بر او مکشوف می‌دارد. این عمل سیما نقش مهمی در تصمیم بزرگ پایانی سارا دارد.

کارکرد زبانی ۵: این کارکرد زبانی توصیفی از زندگی به‌هم‌ریخته‌ی سارا و ترک کردن زندگی توسط سارا است.

۱- برجسته‌سازی: ترتیب دادن مهمانی به خاطر ترفیع رتبه‌ی حسام توسط سارا؛ رسیدن نامه‌ی گشتاسب به حسام و مکشوف شدن ماجرا توسط حسام؛ برخورد تهاجمی و خشن حسام با سارا؛ ورود سیما و گشتاسب به خانه‌ی حسام برای پس دادن سفته‌ها و عذرخواهی از سارا؛ گفت‌وگوی سارا و حسام و ترک زندگی توسط سارا.

۲- هویت‌سازی: هویت سارا (متأثر، دردمند و در پایان مصمم برای ترک زندگی و تغییر)؛ هویت حسام (بسیار تهاجمی، خشن، سلطه‌گر و دورو)؛ هویت سیما و گشتاسب (شاد و در حال ورود به زندگی جدید بر پایه‌ی عشق).

۳- روابط بین اشخاص انسانی: رابطه‌ی سارا و حسام (بر پایه‌ی ترس و دلهره‌ی شدید سارا و سلطه‌گری، خودخواهی و تهاجم حسام به او و در پایان دلسردی کامل سارا از زندگی با حسام و قطع رابطه)؛ رابطه‌ی سیما و گشتاسب (بر پایه‌ی عشق)؛ رابطه‌ی گشتاسب و سیما با سارا و حسام (بر پایه‌ی همدلی و پشیمانی).

۴- روابط بین چیزها (اشیاء با هم - انسان و اشیاء): سبد میوه و وسایل مهمانی؛ ساعت دیواری و صدای مداوم تیک‌تاک؛ گوشی تلفن؛ نامه‌ی گشتاسب به حسام که از زیر در آن را می‌اندازد؛ شیرینی و گل در دستان سیما و گشتاسب.

۵- کنش‌ها: ۱- کنش اظهاری (بیان جملات محبت‌آمیز حسام بعد از پس گرفتن سفته‌ها)؛ ۲- کنش تعهدی (تعهد سارا با خودش در به وجود آوردن تغییر مثبت در زندگی، تعهد گشتاسب در عدم آزار سیما و حسام)؛ ۳- کنش ترغیبی (به‌طور نامحسوس، رفتار سیما و گشتاسب در پس دادن سفته برای ترغیب سارا به گرفتن تصمیم درست)؛ ۴- کنش عاطفی (برخورد تهاجمی حسام با سارا، درماندگی و غمگینی و ترس سارا، برخورد محبت‌آمیز و شاد بین سیما و گشتاسب).

۶- امتیازات مثبت و منفی در متن: تلاش سیما و گشتاسب برای کمک به سارا و ترک زندگی برای تغییر وضعیت سلطه‌پذیر توسط سارا از امتیازات مثبت؛ و رفتار توأم با بی‌احترامی و توهین و منطبق با الگوی مردسالاری مسلط و در نهایت پس از حل مشکل، بر پایه‌ی دورویی و خودخواهی حسام با سارا و درماندگی و حس ناامیدی شدید سارا از رفتار حسام از امتیازات منفی در متن است.

۷- نظام معرفتی-نشانه‌شناختی: متن در این بخش به خلق نظام نشانه‌شناسی احساسی و عقلی می‌پردازد. سارا در معرض تهدید چندجانبه‌ای قرار گرفته‌است که همگی زیر سلطه‌ی آشکار ایدئولوژی مردسالاری فرصت ظهور می‌یابند. از این جهت که گشتاسب سلطه‌گر، موقعیت فرودست سارا (زن در اجتماع) را دستاویز فشار قرار می‌دهد و با آگاهی کامل از

سرنوشت خطرناکی که جامعه برای زن در چنین شرایطی رقم می‌زند، قدرت می‌گیرد و دست به تهدید می‌زند. از سویی، حسام نیز کاملاً با ایدئولوژی حاکم سازگار است. او در ابتدای داستان منطبق با انگاره‌ی «زن خوب» که وظیفه‌ای جز رسیدن به امور منزل و تربیت فرزندان و در خدمت امیال شوهر بودن را برای زن متصور نیست، با سارا به لحنی کاملاً غیرجدی صحبت می‌کند و در پایان داستان و بعد از برملا شدن ماجرا، بدون توجه به این که سارا این فداکاری را به خاطر او انجام داده‌است، او را در معرض شدیدترین اتهامات قرار می‌دهد. در نهایت و پس از آسودگی خاطر از ماجرای سفته‌ها نیز هیچ‌کدام از تحولات روحی سارا را متوجه نشده‌است. این هر دو تهدید زیر لوای جامعه‌ی مردسالار که همواره نقش فرودست را برای زن کنار گذاشته‌است اتفاق می‌افتد و تصمیم نهایی سارا برای ترک این زندگی، شوریدن تمام‌عیار بر علیه این نظام است.

مطالعه‌ی تطبیقی بازنمایی زن در فیلم «سارا» و نمایشنامه‌ی «خانهدی عروسک» با رویکرد تحلیل گفتمان وداک پل جی

همان‌گونه که در بخش‌های گذشته نشان داده شد، می‌توان منبع و اثر اقتباسی را با دانش تحلیل گفتمان تحلیل کرد. در این دو اثر، شخصیت زن و تحولات روحی و روانی او به‌واسطه‌ی سلسله اتفاقاتی، محور اصلی بحث قرار می‌گیرد. در نتیجه، با استفاده از نتایج مطالعه‌ی تحلیل گفتمان در آثار منتخب، می‌توان بازنمایی زن را مورد مطالعه قرار داد و در نهایت، به یک مطالعه‌ی تطبیقی بین منبع و اثر اقتباسی پرداخت. جدول ۲ نتایج این مطالعه‌ی تطبیقی را نشان می‌دهد.

جدول ۱- تحلیل گفتمان در فیلم سارا به روش ترکیبی وداک و پل جی. منبع: (نگارندگان)

تحلیل گفتمان در اثر اقتباسی (فیلم سارا)	
فیلد: زندگی خانوادگی طبقه متوسط در دهه ۷۰ ایران	
کارکرد ۱ توصیف مشکل مالی سارا در درمان بیماری لاعلاج شوهر	۱- برجسته سازی: نگرانی سارا / صحبت پزشک معالج ۲- هویت سازی: سارا (نگران) / حسام (بیمار) ۳- روابط انسانی: سارا و حسام (نگرانی و همدردی) ۴- روابط انسان و اشیاء: سیگار سارا ۵- کنش ها: اظهاری / عاطفی / تعهدی ۶- امتیازات: همدردی سارا، مثبت / درد و بیماری سخت حسام، منفی ۷- نظام معرفتی-نشانه شناسی: احساسی
کارکرد ۲ توصیف زندگی شاد سارا بعد از حل مشکل بیماری حسام	۱- برجسته سازی: ضعف بینایی سارا / شادی سارا / رفتار سبکسرانه حسام با سارا / تقاضای کار سیما / حس غرور سارا ۲- هویت سازی: سارا (شاد و امیدوار) / حسام (سلطه گر و غیر جدی) / سیما (صمیمی) ۳- روابط انسانی: سارا و سیما (دوستی) / سارا و حسام (شادی و سلطه گری) ۴- روابط انسان و اشیاء: هدیه ها / چادر سفید / عینک / قفس پرنده ها / صندوقچه پول ۵- کنش ها: عاطفی / ترغیبی / اظهاری ۶- امتیازات: شادی سارا و دوستی سارا و سیما مثبت / استفاده از امتیاز آشنایی برای استخدام منفی ۷- نظام معرفتی-نشانه شناسی: توصیف زندگی روزمره
کارکرد ۳ تهدید سارا توسط گشتاسب به خاطر ماجرای سفته ها و درماندگی و آشوب روحی سارا	۱- برجسته سازی: تهدید سارا توسط گشتاسب / درماندگی سارا ۲- هویت سازی: گشتاسب (سلطه گر) / سارا (درمانده) / حسام (سلطه گر) / سیما (یاری دهنده) ۳- روابط انسانی: سیما و سارا (صمیمیت) / سارا و حسام (تسلط حسام بر سارا) ۴- روابط انسان و اشیاء: بقچه مادر بزرگ سارا / دسته چک / فرش ها در باسیگار / چادر سفید / نامه اخراج گشتاسب / حوض آب ۵- کنش ها: عاطفی / اظهاری ۶- امتیازات: یاری گری سیما، مثبت / تهدید گشتاسب و درماندگی سارا منفی ۷- نظام معرفتی-نشانه شناسی: احساسی
کارکرد ۴ دیدار سیما و گشتاسب و اظهار عشق دو جانبه آن ها به هم است که باعث تغییر در تصمیم گشتاسب در ماجرای سفته ها	۱- برجسته سازی: اظهار عشق سیما و گشتاسب / فاش کردن ماجرای سفته ها نزد سیما / تلاش سیما برای روشن شدن حقیقت ۲- هویت سازی: سارا (درمانده و نگران) / سیما (یاری دهنده) / گشتاسب (امیدوار) ۳- روابط انسانی: سارا و سیما (همدلی) / سیما و گشتاسب (عشق) ۴- روابط انسان و اشیاء: خیابان / فضای اداره حسام ۵- کنش ها: اظهاری / تعهدی / احساسی / ترغیبی ۶- امتیازات: کشف حقیقت و همدلی سیما، مثبت / ناراحتی عمیق روحی سارا، منفی ۷- نظام معرفتی-نشانه شناسی: احساسی
کارکرد ۵ زندگی به هم ریخته سارا به دنبال مکشوف شدن موضوع نزد حسام و ترک کردن زندگی توسط سارا	۱- برجسته سازی: مهمانی / برخورد تحقیر آمیز و تهاجمی حسام / پس دادن سفته ها / خوشحالی حسام / تحول عمیق سارا و ترک زندگی ۲- روابط انسانی: سارا (متاثر و دردمند) / حسام (بسیار تهاجمی و توهین کننده) / سیما و گشتاسب (شاد و امیدوار) ۴- روابط انسان و اشیاء: ساعت دیواری و صدای مداوم تیک تاک / نامه گشتاسب / وسایل مهمانی ۵- کنش ها: اظهاری / تعهدی / ترغیبی / عاطفی ۶- امتیازات: ترک زندگی و کشف حقیقت، مثبت / درماندگی سارا و به هم ریختن زندگی، منفی ۷- نظام معرفتی-نشانه شناسی: احساسی / تعقلی

جدول ۲- مطالعه‌ی تطبیقی بازنمایی زن در منبع و اثر اقتباسی. منبع: (نگارندگان)

تحلیل گفتمان در منبع اقتباسی (خانه عروسک)		تحلیل گفتمان در اثر اقتباسی (فیلم سارا)	
فیلد: زندگی خانوادگی طبقه متوسط در قرن ۱۹ نوروز		فیلد: زندگی خانوادگی طبقه متوسط در دهه ۷۰ ایران	
کارکرد ۱	توصیف زندگی شاد نورا	۱- برجسته‌سازی: زندگی سرخوشانه نورا/ دیالوگ بچه‌گانه هلمر با نورا ۲- هویت‌سازی: سارا (شاد)/ هلمر (سلطه گر) ۳- روابط انسانی: نورا و هلمر (رابطه بر پایه روابط مرسوم زناشویی) ۴- روابط انسان و اشیاء: هدیه‌ها، درخت کریسمس ۵- کنش‌ها: عاطفی / ترغیبی ۶- امتیازات: شادی سارا مثبت / سلطه‌گری هلمر منفی ۷- نظام معرفتی-شانه‌شناسی: نظام احساسی / توصیف زندگی روزمره	کارکرد ۱ توصیف مشکل مالی سارا در درمان بیماری لاعلاج شوهر
کارکرد ۲	صحبت نورا و کریستین درباره ماجرای جعل امضاء	۱- برجسته‌سازی: تقاضای کار از نورا/ اظهار ماجرای سفته‌ها ۲- هویت‌سازی: نورا (شاد و مغرور) / کریستین (صمیمی) ۳- روابط انسانی: نورا و کریستین (صمیمیت) ۴- روابط انسان و اشیاء: ___ ۵- کنش‌ها: اظهار / عاطفی / تعهدی ۶- امتیازات: صمیمیت دو دوست مثبت / استفاده از رابطه شخصی در استخدام ادارات دولتی منفی ۷- نظام معرفتی-شانه‌شناسی: زندگی روزمره / احساسی / تعقلی	کارکرد ۲ توصیف زندگی شاد سارا بعد از حل مشکل بیماری حسام
کارکرد ۳	تهدید کروگستاد درباره سفته‌ها و تلاش ناموفق نورا برای مجاب کردن همسر و فشار روحی زیاد او	۱- برجسته‌سازی: تهدید کروگستاد / سلطه گری هلمر ۲- هویت‌سازی: نورا (تهدید شده) / هلمر (سلطه گر) / کروگستاد (تهدیدگر) / دکتر رانک (عاشق) ۳- روابط انسانی: کروگستاد و نورا (تهدید) / کروگستاد و هلمر (تلافی جوانانه) / رابطه نورا و هلمر (سلطه‌گرانه) ۴- روابط انسان و اشیاء: نامه اخراج / کنش‌ها: عاطفی / اظهار / ترغیبی ۶- امتیازات: تهدید و نگرانی نورا، منفی ۷- نظام معرفتی-شانه‌شناسی: تعقلی / احساسی	کارکرد ۳ تهدید سارا توسط گشتاسب به خاطر ماجرای سفته‌ها و درماندگی و آشوب روحی سارا

تحلیل گفتمان در منبع اقتباسی (خانه‌عروسک)		تحلیل گفتمان در اثر اقتباسی (فیلم سارا)	
فیلد: زندگی خانوادگی طبقه متوسط در قرن ۱۹ نوروز		فیلد: زندگی خانوادگی طبقه متوسط در دهه ۷۰ ایران	
کارکرد ۴	۱- برجسته‌سازی: اظهار عشق کریستین و کروگستاد/ تصمیم برای برملا شدن حقیقت نزد هلمر ۲- هویت‌سازی: کروگستاد (هیجان زده)/ کریستین (شاد)/ نورا (درمانده) ۳- روابط انسانی: کریستین و کروگستاد (عشق)/ کروگستاد و نورا (تهدید و ترس)/ نورا و کریستین (دوستی) ۴- روابط انسان و اشیاء: _____ ۵- کنش‌ها: اظهار/ احساسی/ تعهدی/ ترغیبی ۶- امتیازات: اظهارعشق و اهمیت دادن به صداقت و حقیقت مثبت/ درماندگی نورا منفی ۷- نظام معرفتی-نشانه‌شناسی: احساسی/ تعقلی	کارکرد ۴	۱- برجسته‌سازی: اظهار عشق سیما و گشتاسب/ فاش کردن ماجرای سفته‌ها نزد سیما/ تلاش سیما برای روشن شدن حقیقت ۲- هویت‌سازی: سارا (درمانده و نگران)/ سیما (یاری دهنده)/ گشتاسب (امیدوار) ۳- روابط انسانی: سارا و سیما (همدلی)/ سیما و گشتاسب (عشق) ۴- روابط انسان و اشیاء: خیابان/ فضای اداره حسام ۵- کنش‌ها: اظهار/ تعهدی/ احساسی/ ترغیبی ۶- امتیازات: کشف حقیقت و همدلی سیما، مثبت/ ناراحتی عمیق روحی سارا، منفی ۷- نظام معرفتی-نشانه‌شناسی: احساسی
کارکرد ۵	۱- برجسته‌سازی: دعوای شدید هلمر و نورا/ ترک زندگی ۲- هویت‌سازی: نورا (درمانده و مصمم برای تغییر)/ هلمر (سلطه گر)/ دکتر رانگ (در انتظار مرگ) ۳- روابط انسانی: نورا و هلمر (سلطه‌گرانه) ۴- روابط انسان و اشیاء: نامه دکتر رانگ با نش صلیب/ نامه کروگستاد به هلمر ۵- کنش‌ها: تعهدی/ اظهار/ عاطفی ۶- امتیازات: ترک زندگی، مثبت/ به هم ریختگی زندگی منفی ۷- نظام معرفتی-نشانه‌شناسی: احساسی/ تعقلی	کارکرد ۵	۱- برجسته‌سازی: مهمانی/ برخورد تحقیر آمیز و تهاجمی حسام/ پس دادن سفته‌ها/ خوشحالی حسام/ تحول عمیق سارا و ترک زندگی ۳- روابط انسانی: سارا (متاثر و دردمند)/ حسام (بسیار تهاجمی و توهین کننده)/ سیما و گشتاسب (شاد و امیدوار) ۴- روابط انسان و اشیاء: ساعت دیواری و صدای مداوم تیک تاک/ نامه گشتاسب/ وسایل مهمانی ۵- کنش‌ها: اظهار/ تعهدی/ ترغیبی/ عاطفی ۶- امتیازات: ترک زندگی و کشف حقیقت، مثبت/ درماندگی سارا و به هم ریختن زندگی، منفی ۷- نظام معرفتی-نشانه‌شناسی: احساسی/ تعقلی

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مطالعه‌ی نحوه‌ی بازنمایی زن در سینمای اقتباسی ایران و با تمرکز بر شخصیت زن در فیلم سارا و نمایشنامه‌ی خانه‌ی عروسک انجام پذیرفته‌است. دانش تحلیل گفتمان بستری فراهم می‌آورد که با استفاده از آن و در خلال مطالعه و تمرکز بر شخصیت‌های داستان (چه زن و چه مرد) و واکاوی روابط بین آن‌ها، بتوان به مطالعه‌ی بازنمایی

مختلف در درون فیلم چگونه توزیع می‌شود و آیا این توزیع قدرت در جهت تحکیم گفتمان مردسالاری است یا به واسازی این الگوی اعمال قدرت می‌پردازد، می‌توان گفت که گفتمان کاملاً تحت سلطه‌ی ایدئولوژی مردسالاری قرار می‌گیرد و قدرت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه نیز در اختیار طبقه‌ی حاکم مردان است. هلمر و مورد متناظر آن، حسام، و کروگستاد و مورد متناظر آن، گشتاسب، در آثار منتخب به روشنی نماینده‌ی رویکرد غالب

مردسالاری هستند و این بازنمود در جزییات رفتاری آن‌ها قابل ردیابی است. شخصیت نورا و مورد متناظر آن، سارا، و شخصیت کریستین و مورد متناظر آن، سیما، نیز از شخصیت‌های مهم زن در متن هستند که کاملاً تحت سلطه‌ی گفتمان غالب زندگی کرده‌اند و تا سال‌ها به بازتولید آن پرداخته‌اند. در واکاوی ارتباط بین شخصیت‌های داستانی است که این بازتولید نمایان می‌شود. توزیع قدرت تا اپیزودهای پایانی کاملاً در جهت تحکیم این گفتمان است، اما با تصمیم ناگهانی شخصیت اصلی زن داستان که خود به دلیل تحول عمیق روانی در اوست، واسازی گفتمان غالب صورت می‌گیرد.

در پاسخ به این مسئله که بازنمایی زن در نمایشنامه‌ی خانه‌ی عروسک و فیلم سارا با استفاده از روش تحلیل گفتمان چگونه انجام پذیرفته‌است، توجه به جزییات بحث و نتایج حاصل‌آمده از آن در جداول ضروری است. بازنمایی هر دو شخصیت تقریباً با شباهت زیادی در جهت نشان دادن زنی از طبقه‌ی متوسط است که درگیر و تحت سلطه‌ی نظام غالب مردسالاری است و تنها به واسطه‌ی تجربیات حاصل‌آمده از وقایعی، قدرت درک وضعیت حقیقی را می‌یابد و تغییر وضع موجود امکان‌پذیر می‌شود.

از سویی، در مطالعه‌ی تحول در بازنمایی زن در جریان اقتباس سینمایی از منبع اقتباسی

(نمایشنامه‌ی خانه‌ی عروسک) به اثر اقتباسی (فیلم سارا)، می‌توان تغییراتی را متناسب با فرهنگ جامعه‌ی مقصد یافت. استفاده از عناصر اقتباسی چون سیگار کشیدن مخفیانه‌ی سارا، ساخت اپیزود بیمارستان که در منبع وجود ندارد، ضعف بینایی شدید سارا به دلیل کار مداوم، صندوقخانه‌ی خانه‌ی سارا، سفره‌ی شام بر روی زمین، صدای تیک‌تاک مداوم ساعت، انبوهی از فرش‌های رنگارنگ در فضای بازار، موسیقی سنتی ایرانی، صدای اذان و مواردی از این دست از آن جمله‌اند. سارا زنی متعلق به طبقه‌ی متوسط دهه‌ی هفتاد ایران است که تنها در پرداخت، با شخصیت زن در منبع اقتباسی تفاوت دارد و در کلیات درگیر مسائل مشترکی با اوست و با تصمیم درباره‌ی کنشگری و انتخاب برای تغییر در زندگی، درگیر مسائل مشابهی از جمله از دست دادن امنیت خانوادگی و اجتماعی خود در جامعه می‌شود. در نهایت، پژوهش برتری عملکردهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردان در مقایسه با زنان و در نتیجه، اختیار عمل بیشتر مردان برای تصمیم‌گیری و آسیب‌پذیری کمتر آن‌ها را به وضوح نشان می‌دهد. کارکردهای زبانی در کلیت امر تقریباً با هم منطبق است و حتی تغییر خط روایی از منبع به اثر اقتباسی نیز محسوس نیست و این مسئله، درصد تشابه روایی را نیز بالا می‌برد.

پی‌نوشت

۱. زبان‌شناسی انتقادی زمانی پا به عرصه می‌گذارد که زبان در نظریه‌ی اجتماعی مهم می‌شود و بنا بر عقیده‌ی نظریه‌پردازانی چون فوکو و هابرماس، زبان در تولید و بازتولید ساخت روابط قدرت نقش محوری دارد. علاوه بر نظریات این دو شخص، نظریه‌های جدید ایدئولوژی که بیشتر با گرامشی و آلتوسر شناخته می‌شوند نیز زبان‌شناسی انتقادی را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

2. Zellig Harris
3. Fasold
4. James Paul Gee
5. Ruth Vodak
6. Pierre Bourdieu
7. Discourse Analysis

منابع

- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۸۳)، روش‌شناسی تحقیق در تحلیل‌گفتمان انتقادی، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی سلطانی.
- احمدی، بابک (۱۳۷۰)، ساختار و تأویل متن، تهران: نشر مرکز.
- احمدی، بابک (۱۳۷۱)، از نشانه‌های تصویری تا متن، تهران: نشر مرکز.
- اشرف‌ابیانه، شهرام (۱۳۸۳)، در پی دنیای خیالی، نگاهی به اقتباس ادبی در سینمای ایران از آغاز تا ۱۳۵۷، مجله هنر و معماری، شماره ۵۴، ۱۴۶.
- امیرپور، نعمت (۱۳۶۹)، تأثیر اقتباس ادبی در سینمای ایران، مجله ادبستان فرهنگ و هنر، شماره ۱۴.
- امینی، اکرم (۱۳۸۹)، بازنمایی زن در تبلیغات تجاری ایران و جهان، کتاب ماه علوم اجتماعی، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۲.
- بهارلو، عباس (۱۳۸۳)، تاریخچه‌ی اقتباس ادبی در سینمای ایران، فارابی (نشریه‌ی فرهنگ و هنر)، شماره‌ی ۳۱، ۱۱-۳.
- جیمسن، فردریک و همکاران (۱۳۸۳)، نظریه‌ی فیلم: مجموعه مقالات، فصلنامه‌ی فلسفی، ادبی، فرهنگی/ارغنون، شماره‌ی ۱۸.
- حاتمی، علی؛ بارنژاد، سمیرا (۱۳۸۵)، تحلیل‌گفتمان به مثابه‌ی یک روش تحقیق در علوم انسانی، مجموعه مقالات همایش کنگره علوم انسانی، ۱۳-۱.
- روانجو، مجید (۱۳۸۹)، بیان نظری، قواعد بصری، جستارهایی در ماهیت و ساختار سینما، تهران: انتشارات افراز.
- عشقی، بهزاد (۱۳۸۹)، اقتباس ادبی در سینمای مهرجویی، مجله هنر و معماری، شماره‌ی ۶۴، ۱۵۵-۱۵۱.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۳)، گفتمان و تحلیل‌گفتمان انتقادی، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی زن در فرهنگ و هنر، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۲.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه‌ی گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قره‌شیخلو، علیرضا؛ وفا، مهدی (۱۳۸۵)، داریوش مهرجویی نقد آثار از بانو تا مهمان مامان، تهران: انتشارات هرمس.
- لزگی، حبیب‌الله؛ مزدامراد، عباسی (۱۳۸۹)، «اقتباس سینمای ایران از ادبیات داستانی معاصر»، مجله پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۱۰۰-۸۵.
- ماستری، مریم؛ مهرآیین، مصطفی (۱۳۹۷)، ادبیات کودک و نوجوان: مطالعه‌ی تطبیقی «عشق» بر ساخت اجتماعی روایت از عشق در ادبیات کودک و نوجوان (تألیف و ترجمه) دهه‌های چهل، پنجاه، شصت، هفتاد و هشتاد، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی.
- محمدپور، احمد؛ ملک‌صادقی، مریم؛ علیزاده، مهدی (۱۳۹۱)، مطالعه‌ی نشانه‌شناختی بازنمایی زن در فیلم‌های سینمایی ایران (مطالعه‌ی موردی: فیلم‌های سگ‌کشی، چهارشنبه‌سوری، کافه ترانزیت)، علوم اجتماعی، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره‌ی ۲۹.
- مرادعباسی، مزدا (۱۳۹۰)، ساختارشناسی جریان اقتباس ادبی در سینمای ایران، تهران: انتشارات سوره مهر.
- مستغاثی، سعید (۱۳۷۹)، ارتباط سینما با ادبیات در تاریخ یک‌صدساله‌ی سینمای ایران، مجله هنر و معماری فارابی، شماره‌ی ۳۷، ۱۵۰-۱۲۷.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷)، رسانه و بازنمایی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه‌ی رسانه‌ها.
- مهرآیین، مصطفی (۱۳۹۲)، نظریه و روش تحلیل‌گفتمان، مؤسسه‌ی مطالعاتی رخداد تازه، جامعه‌شناسی.
- میرفخرایی، مجید (۱۳۸۳)، فرایند تحلیل‌گفتمان، تهران: مطالعات و توسعه‌ی رسانه‌ها.

References

- Brinkmann, J. (2009), Using Ibsen in Business Ethics, *Business Ethics*, p. 11.
- Durbach, E. (1991), A Doll's House, Myth of Transformation, *Twayne*, p. 75.
- Eide, T. (2003), *Ibsen's Ethical Method*, Paper, 10th International Ibsen Conference, New York. Available at: <http://www.ibsensociety.liu/conferencepapers/ethical.pdf>
- Gee, J. P. (1991), An Introduction to Discourse Analysis: Theory and Method, *Routledge*, p. 25.

- Kress, G. (2002), *Against Arbitrariness*, in *Critical Discourse Analysis*, ed. By Michael Toolan, vol. 2, London: Routledge, pp. 142-165
- Lee, A. J. (1976), *The Bedford Introduction to Drama*, New York: Martins Com.
- Meyer, M. (1971), *Henrik Ibsen: A Biography*, London: Rupert Hart-Davis.
- Resigel, M. (2002), *The Critical Turn in Discourse Analysis*, in *Critical Discourse Analysis*, ed. By Michael Toolan, vol. 2, London: Routledge, pp. 166-180.
- Van Dijk, T. (1984), *Prejudice in Discourse: Racism in the Press*, London: Arnold.
- Van Leeuwen, T. (2006), *Reading Images*, 2nd edition, Routledge.